

JOURNAL OF SUSTAINABLE REGIONAL & URBAN DEVELOPMENT STUDIES
JSRUDS

Volume 4, Issue 2 - Serial Number 12, Summer 2023

ISSN: 2783-0764

Culture recreating the historical context with emphasis on attracting tourists (Case Study: Khaghani Street, Tabriz)¹

Mohammadtaghi Pirbabaei¹, Farnoosh Bahaloo² *

1. Professor of Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran.

2. MS student in Urban Design, Tabriz University of Islamic Arts, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz, Iran.

Received Date: 14 July 2023 **Accepted Date:** 15 September 2023

Abstract

Background and Aim: Trying to find the best approach and solution for the restoration of historical tissues and localities has provoked many challenges, especially. In line with this trend, the current research has investigated the role of culture as one of the important components that has been much considered and used in recent years in various urban areas, including the restoration and recreation of historical textures.

Methods: In this regard; In this regard, firstly, by using the descriptive-analytical method, SWOT, and by using library studies and field impressions, the literature and the concept of culture and urban culture were investigated, and then the course of evolution and its application in the regeneration process was expressed. After that, the cultural neighborhood approach was specifically studied with an emphasis on attracting tourists as the latest approach in this field. an important role. plays in revitalizing identity and meaning.

Findings and Conclusion: The results of the research showed that The perspective of Khaqani Street, which is drawn in the direction of the desired image with the attitude of cultural artistic components, a passage that is based on its past roots and history, but with culture and the modern world along with cultural artistic components, causes a deeper and more tangible connection between today's residents and their historical past. It is designed using new spaces.

Keywords: Recreating the base culture, Historical context, Tourism, Historical context of Khaghani Street of Tabriz.

¹ This article is extracted from the MA dissertation entitled “**Culture recreating the historical context with emphasis on attracting tourists (Case Study: Khaghani Street, Tabriz)**” of the Second author's with the Supervisor of the First author's, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran.

* Corresponding Author: farnoosh95baharloo74@gmail.com

Cite this article: **Pirbabaei, M.T., Bahaloo, F** (2023). Culture recreating the historical context with emphasis on attracting tourists (Case Study: Khaghani Street, Tabriz). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(2), 52-73.

بازآفرینی فرهنگ مبنای بافت تاریخی با تأکید بر جذب گردشگران (نمونه موردی: محور خاقانی شهر تبریز)^۱

محمد تقی پیربایی^۱، فرناوش بهاء‌لوهوره^{۲*}

۱. استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

چکیده

زمینه و هدف: تلاش برای یافتن بهترین رویکرد و راه حل جهت احیا محلات تاریخی، چالش بسیاری را خصوصاً در دهه های اخیر برانگیخته است؛ پژوهش حاضر در راستای این جریان، به بررسی نقش فرهنگ به عنوان یکی از مولفه های مهم که در سال های اخیر در حوزه های مختلف شهری و از جمله مرمت و بازآفرینی بافت های تاریخی، بسیار مورد توجه و استفاده قرار گرفته، پرداخته است.

روش بررسی: از نظر هدف گذاری کاربردی و از نظر روش -شناسی به صورت توصیفی- تحلیلی است.

در این راستا ابتدا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، سوات و با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای و برداشت های میدانی، به بررسی ادبیات و مفهوم فرهنگ و فرهنگ شهری پرداخته و سپس سیر تحول و به کارگیری آن در فرآیند بازآفرینی بیان شد. پس از آن رویکرد محله فرهنگی با تأکید بر جذب گردشگران به عنوان متاخرترین رویکرد در این زمینه، به طور خاص مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد با مطالعه ادبیات مشخص شد که این رویکرد معیارها و اصولی را دارا می باشد که با بررسی و مطالعه دقیق این معیارها در واقع می توان آن ها را با بسیاری از کیفیت های مختلف طراحی شهری (کیفیت های محیطی) و محتوایی کارآمد مبتنی بر فرهنگ و هنر، تاریخ و میراث مکان ایجاد می شود که حضور این مولفه ها نقش مهمی را در باززنده سازی هویت و معنا ایفا می کند. ضمن آن که پویایی و حیات اقتصادی نیز به واسطه کاربری ها و فعالیت های مختلف بازگشته و به لحاظ کالبدی نیز پاسخگوی نیازها و عملکردها خواهد بود.

کلید واژه‌ها: بازآفرینی فرهنگ-مبنا، بافت های تاریخی، گردشگردی، محور خاقانی تبریز.

^۱ این مقاله مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد تحت عنوان بازآفرینی فرهنگ مبنای بافت تاریخی با تأکید بر جذب گردشگران (نمونه موردی: محور خاقانی شهر تبریز) نویسنده دوم به راهنمایی نویسنده اول دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران است.

* نویسنده مسئول: farnoosh95baharloo74@gmail.com

ارجاع به این مقاله: پیربایی، محمد تقی؛ بهاء‌لوهوره، فرناوش (۱۴۰۲). بازآفرینی فرهنگ مبنای بافت تاریخی با تأکید بر جذب گردشگران (نمونه موردی: محور خاقانی شهر تبریز). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای، ۴(۲)، ۷۳-۵۲.

مقدمه و بیان مسأله

ناحیه تاریخی شهرها میراث ارزشمند معماری و کالبدی به جای مانده از گذشتگان ماست که در طول زمان در هویت بخشی به حیات شهری همواره نقش بارزی ایفا نموده است. که بافت تاریخی به عنوان شبکه به هم پیچیده روابط کالبدی به یادگار مانده از نسل های پیشین با وجود دگرگونی های زیاد در طی ۵۰ سال اخیر، هنوز نتوانسته است با شرایط موجود شهرنشینی کشور سازگار گردد. و دلیل این عدم سازگاری بافت تاریخی با شرایط موجود شهرنشینی کشور اعمال دگرگونی های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی که از اوائل سده حاضر در هم سویی با روند جهانی و در پیروی از کشور های توسعه یافته در قالب روند مدرنیزاسیون، سبب ایجاد روابط کالبدی و فضایی جدیدی در بافت قدیم و تاریخی شده است که عملا با گذشته خود در تقابل است می باشد. در حالی که این بخش از شهر تجلی گاه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مردمانی است که در دوره های تاریخی در این بخش از شهر، روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده اند. چنانچه ناحیه تاریخی شهرها را شناسنامه ی واقعی آن ها بنامیم سخن گزافی نگفته ایم. از این رو این عرصه ها را سازندگی دوباره نیاز است. آن نوع سازندگی نیاز است که فراتر از کمیت های متداول مهندسی ساختمان به بار می نشیند. سازندگی کیفیت مدار متغیرها و نمایانگر های محیطی با ابزار و اسبابی فراتر از مادیت مهندسی را باید هدف قرار داد، آنچه که آفریده شده بود را باید بازآفرینی نمود. بنابراین حفظ احیا و بازآفرینی آن ها و انطباق آن با کلیت سیستم شهری از جمله ضرورت های است که می تواند حیات ناحیه تاریخی را همگام با شهر پیش ببرد (کلانتری و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۷۷).

علیرغم ارزش و جایگاه منحصر به فرد بافت های تاریخی در ساختار فضایی و کارکردی شهر و پتانسیل ها و نقاط قوت آن ها، مشکلات و محدودیت هایی چون ناهمخوانی کالبد و فعالیت، وجود عناصر ناهمخوان شهری، کمی سرانه برخی کاربری ها، فقدان سلسله مراتب مناسب در شبکه ارتباطی و عدم امکان نفوذپذیری به داخل بافت ارگانیک، کاربری های ناسازگار و جاذب ترافیک، وجود فضاهای بی دفاع و رهاشده، کمبود فضاهای عمومی مناسب و ... موجب کاهش اهمیت و ارزش بافت قدیمی و هویت ساز شهر ها شده و جابه جایی جمعیتی و خروج گروه های با توان مالی بالا را در پی داشته است.

با بروز مشکلات و مسائل عصر جدید و تاثیرات آن بر حوزه های مختلف، توجه به بافت های قدیمی و تاریخی و وضع ناپایداری آن ها، به موضوع جدی و محوری در شهرها تبدیل شده به گونه ای که سازمان های ذیربط را به تکاپوی ساماندهی و احیا این عناصر و بافت مذکور سوق داده است. و لزوم مداخله در این بافت ها را در دوره های زمانی مختلف مطرح نموده است. در ادبیات اخیر واژه بازآفرینی شهری به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان بخشی را در بر می گیرد، به کار می رود. در واقع بازآفرینی شهری به هرگونه مرمت و حفاظت شهری ای اطلاق می شود که از نظر ناظران این دوره، تغییری باشد در جهت مثبت و هم چنین بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیت) منجر می گردد. بازآفرینی شهری را می باید تاثیر گذارترین رویکرد معاصر در حوزه ی مرمت و حفاظت شهری به شمار آورد. یکی از مهم ترین دلایل این امر، ظرفیت بالای این رویکرد در پرداختن به ابعاد متنوعی از واقعیت شهر است، که تحت دو زیر گروه اصلی ساختار های کالبدی و اجتماعی قابل طبقه بندی اند (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

در این رویکرد توجه به حفظ ارزش های فرهنگی و حفظ ثروت های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت و ساز های دارای یک نوع کاربری به جای کاربری های متعدد، توجه به اقدامات کیفی به موازات اقدامات کمی، مشارکت گروه های اجتماعی و ... مشهود می باشد (دونالدز، ۲۰۰۹).

در حال حاضر استفاده ی بهینه از اراضی شهری به منظور حداکثر بهره وری از منابع موجود از طریق بهسازی و بازآفرینی عرصه های فرسوده و نابسامان، جلوگیری از توسعه و گسترش شهرها در مناطق پیرامونی و استفاده مجدد از ساختارهای

تاریخی در جهت تبدیل به فضاهای گردشگریدی، از محورهای اصلی و الویت‌های برنامه ریزان و سیاست‌گذاران شهری در کشور‌های توسعه یافته و حتی برخی کشور‌های در حال توسعه است (ایزدی، ۱۳۸۵: ۱۹).

از سوی دیگر می‌توان گفت که حضور نگاه چندوجهی مانند بازآفرینی فرهنگ مبنای شهری حضوری الزامی و اجتناب ناپذیر است؛ چرا که پیچیدگی‌ها، تنوع‌ها و تعداد مقوله‌های مرتبط با شهر چنین نگاهی را می‌طلبد و اساساً تقلیل مسئله‌ی غامض شهر به مجموعه‌ای از انگاره‌های ساده می‌تواند ما را به دام ساده‌انگاری‌های معمول بیندازد و بهتر خواهد بود که برای گزینش کاربست کارآمد، ساز و کار آگاهانه و مبتنی بر ادراک دو سو به از شرایط جهانی-محلی فراهم آورده شود. اندیشه درباره‌ی نوع برداشت از واقعیت، قاعدتاً می‌باید زمینه‌های محلی را به سوی شکل دادن به نوعی قرائت مبتنی بر شرایط بومی مستقل برای شهرسازی به طور عام و بازآفرینی به طور خاص را هدایت نمایند.

این مقدمه توجیهی برای چنین سوالی خواهد بود که آیا تدوین چارچوب رویکردی مانند بازآفرینی بر مبنای فرهنگ می‌تواند حیات و سرزندگی را به آن بافت تاریخی بازگرداند و به نوعی باعث جذب افراد نیز شود یا خیر؟

پژوهش حاضر مبتنی بر مطالعات و تجربیات پیشین حوزه‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش یعنی بازآفرینی فرهنگ-مبنای بافت‌های تاریخی شهر و جذب گردشگر در این مکان‌ها استقرار خواهد بود و به ضرورت پژوهش به نظر می‌رسد که باید نحوه ارتباط متغیرها در قالب نگاهی فلسفی-نظری به بحث گذاشته شود تا ابتدا روشن گردد چه چیز در چه سطحی و با چه ساز و کاری قرار است بومی سازی شود؟ به طور کلی خلأی که پژوهش حاضر در صدد حل آن است این موضوع می‌باشد که نحوه انتقال نظریات، پارادایم‌ها، سیاست‌ها و مدل‌ها از بافت و زمینه به دیگری چگونه می‌تواند مفهومی مانند بازگشت فرهنگ محلی را به درستی متجلی کند؟ و به عنوان یکی از آخرین رویکردهای حاضر در برخورد با بافت فرسوده بازآفرینی فرهنگ-مبنا چگونه قابلیت تطبیق با شرایط شهر را دارد؟

اهمیت طرح چنین موضوعی از آنجا ناشی می‌گردد که تاملی در تاریخ معاصر کشور در حوزه شهرسازی نشان دهنده حضور انواع و اقسام نظریات، سیاست‌ها و رویکردهای غیر ایرانی به ویژه از دوره پهلوی اول تا کنون بوده است؛ از شکل‌گیری نظام برنامه ریزی متمرکز دولتی و تدوین برنامه‌های توسعه هفت ساله تا طرح‌های جامع و تفصیلی و استراتژیک و ... و ناکارآمدی نحوه انتقال و بومی سازی آن‌ها نیز امری کاملاً پذیرفته و اثبات شده است. پرداختن به این موضوع از منظر فلسفی-نظریه‌ای به ویژه با وجود ماهیت چند رشته‌ای شهرسازی از یک سو و ابعاد متعدد یکپارچه‌نگری از سوی دیگر، جستجو در دیگر حوزه‌های معرفتی مانند جامعه‌شناسی، مدیریت و ... را به منظور تدوین نحوه برخورد مناسب و نظام مند در قالب پژوهش‌هایی از این دست ضروری می‌کند.

منطقه ۸ یکی از محلات تاریخی شهر تبریز می‌باشد که شهر تبریز خود یکی از شهرهای تاریخی و کهن ایران است. محدوده پژوهش محور خاقانی شهر تبریز می‌باشد، که به عنوان یکی از اصلی‌ترین هسته اولیه شکل‌گیری تبریز و بخشی از بافت تاریخی است.

این محور امروزه با معضلی به نام بافت فرسوده مواجه شده، فرسودگی (کالبدی، اقتصادی-اجتماعی) باعث گردیده تا ساکنین اولیه و اصیل محله به مناطق دیگر شهر مهاجرت نمایند و بسیاری از خانه‌های محله به صورت متروکه رها شود. این امر از تحرک و پویایی بافت می‌کاهد و به مرور باعث حذف کاربری‌های خدماتی، بی‌هویتی و از بین رفتن توان‌های کسب و کار محلی و در نهایت جدایی‌گزینی اجتماعی شده است. لذا مسئله این است که چگونه می‌توان ضمن مبنا قرار دادن اصول بازآفرینی باعث هویت بخشی؛ توسعه فضای کسب و کار و استفاده از مشارکت فراگیر مردم گردید، و با توجه به پتانسیل بالای گردشگری فرهنگی محور، با استفاده از گردشگری فرهنگی که ارتباط مستقیم با بازآفرینی فرهنگ-مبنا دارد باعث رونق گردشگری فرهنگی محور شویم.

سؤال های پژوهش

۱. مولفه ها و راهکار های بازآفرینی فرهنگ-مبنا در بافت تاریخی کدامند؟ و چه جایگاهی در این سیاست مداخله دارند؟
۲. راهکارهای مناسب در جهت ارتقای کیفیت محیطی با تمرکز بر ابعاد فرهنگی و گردشگری در محور خاقانی تبریز کدامند؟
۳. فرآیند بازآفرینی فرهنگ-مبنا مطابق با ویژگی های بافت تاریخی محور خاقانی تبریز چگونه تعریف می شود؟

هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش این است که با بهره گیری از مفاهیم به روز بازآفرینی شهری جهت حفظ تعادل میان توسعه و حفاظت، با تبیین راهکارهای مناسب در جهت ارتقای کیفیت محیطی با تمرکز بر ابعاد فرهنگی در جهت جذب گردشگران در محور خاقانی شهر تبریز، ضمن حفظ ارزش های گذشته و توجه به نیازهای زندگی امروزه به بازآفرینی فرهنگی در محدوده ی مذکور کمک نماییم.

با توجه به هدف اصلی پایان نامه اهداف فرعی اینگونه مطرح می شود:

۱. بازآفرینی بافت تاریخی محور خاقانی شهر تبریز که در این راستا ضمن تاکید بر هویت بخشی به محله و دید فرهنگی در احیا بافت قدیمی، باعث اشتغال زایی و توانمندسازی محلات و تبدیل محله به محله ای گردشگری پذیر فرهنگی می شود.
۲. استفاده از هنر، فرهنگ و گذراندن اوقات فراغت به عنوان محرک های برنامه های تجدید حیات شهری.
۳. اهمیت دادن به مرکز تاریخی تبریز به عنوان شهری شاخص از لحاظ میراث فرهنگی و گردشگری در ایران و تبیین راهکارهای مناسب در جهت ارتقای کیفیت محیطی با تمرکز بر ابعاد فرهنگی در جهت جذب گردشگران و نهایتاً بازآفرینی فرهنگی در محور خاقانی شهر تبریز.

مبانی نظری

فرهنگ (جایگاه مولفه ی فرهنگی در بازآفرینی شهری)

بررسی مفهوم فرهنگ و تلاشی برای ارائه تعریف مورد اجماعی از آن قطعاً به دلیل گسترده متنوع نگاه ها و برداشت ها درباره آن میسر نیست؛ در عین حال اگر نتوان در باب تعریف فرهنگ به چنین گزاره مشخصی رسید اما می توان در مورد جنبه هایی از آن، که در تعاریف مختلف مشترک هستند به اشتراک نظرهای زیادی نائل شد:

نخست آنکه فرهنگ امری ترکیبی و مرکب از اجزای مادی و غیرمادی است که به صورت تفکیک ناپذیری با یکدیگر ترکیب شده اند؛ فرهنگ هر جامعه اصل و اساس انسجام دهنده ای است که در بستر آن نظام های کالبدی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظام مذهبی امکان جامعه بودگی می یابند. بنابراین اساساً بدون فرهنگ، پدیده های اجتماعی و به طریق اولی شهر معنا نمی یابد. هم از این روست که هیچ پدیده یا مفهوم اجتماعی بدون درک فرهنگ، فهم شدنی نیست (شبان، ۱۳۹۳: ۱۷).

برداشتی که از مفهوم «فرهنگ» و وارد کردن آن در جریان توسعه های شهری وجود داشته، طی چند دهه با نوعی دگرگونی و استحاله همراه بوده است. بین دهه های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ میلادی، که آن را دوره ی «هنرهای پیش از الکترونیک»

می‌دانند، فرهنگ را عرصه‌ای تلقی می‌نمودند جدای از اقتصاد و تولید، و حتی متناظر با آن؛ این همان دوره‌ای است که به زعم برخی، مرمت شهری همچنان نگاه بازسازنده دارد، و همچنان از اثرات جنگ‌های جهانی تأثیر می‌پذیرد. طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، فرهنگ ابزاری است در خدمت اهداف اجتماعی و سیاسی، و هنوز هیچ نقش‌پذیری در عرصه اقتصادی ندارد. اما از دهه ۱۹۹۰ میلادی، که برخی آن را «دوران مشارکت» می‌نامند، فرهنگ به عنوان ابزاری در خدمت بازآفرینی اقتصادی و کالبدی شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد، و از آن در سیاست‌گذاری‌های شهری استفاده فعال می‌شود (سامی و وهابیان، ۱۳۹۷: ۲).

انواع بازآفرینی شهری

از زمان آغاز جریان بازآفرینی، رویکردهای بسیاری مرتبط با آن مطرح شده‌اند، بازآفرینی شهری با استفاده از رویکردهای گوناگون، فرصت‌های متنوع توسعه‌ای را فراروی خود قرار داده است:

✓ بازآفرینی فرهنگ مینا

✓ بازآفرینی توریسم مینا

✓ بازآفرینی حفاظت مینا

✓ بازآفرینی اجتماع مینا (حناچی و فدائی نژاد، ۱۳۹۰: ۲).

انتخاب هر یک از این رویکردها، به معنای آن نیست که بازآفرینی از سایر جنبه‌های مرتبط با توسعه شهری چشم‌پوشیده است، بلکه نوعی انتخاب، این جریان را به سوی بهره‌برداری هر چه بهتر از بالقوگی‌های موجود و بازتعریف سازوکارهای فراموش شده شهر در رسیدن به رونق اقتصادی و از این طریق، فراهم آوردن امکان توسعه یکپارچه، هدایت می‌کند.

بازآفرینی فرهنگ-مینا

اگرچه فرهنگ ماهیتاً با محیط و زندگی شهری عجین می‌باشد، از دهه ۱۹۸۰ این کلمه به طور گسترده‌ای با بازآفرینی شهری به واسطه‌سیاست شهری نئولیبرال پیوندی جدی پیدا کرد (هاروی، ۱۹۸۹). چرخش الگوی اقتصادی کشورهای توسعه یافته به سوی بخش خدمات باعث شد تا فرهنگ به عنوان بخشی عمده از اقتصاد شهری درآید در حالیکه تغییرات اجتماعی و جمعیتی نیز تقاضا برای امکانات فرهنگی را افزایش داد. با توجه به چنین تغییرات ساختاری، فرهنگ در قالب سیاست شهری برای حل معضلات اجتماعی-اقتصادی شهرها در شرایط پسا صنعتی عاملی عمده شد؛ و همان طور که زوکین (۱۹۹۵) اشاره می‌کند فرهنگ تبدیل به تجارت در قرن بیستم شد؛ این نقش به ویژه هنگامی که به عنوان ابزاری خاص جهت افزایش رقابت شهرها درون بافت جهانی دیده می‌شود مهم تر هم می‌گردد. با توجه به نقش انحصاری شهرها در قرن بیست و یکم، بازآفرینی فرهنگ-مینا دولت‌های شهری را گامی جلوتر به سوی رقابتی شدن برای جذب بیشتر مخاطبین سوق خواهد داد (Evans, 2005).

این موضوع با ترویج گردشگری و تشویق شرکت‌های کارآفرین، ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری داخلی و احیای اقتصاد محلی میسر می‌گردد. همان طور که گارسیا بیان می‌کند: «امروز فرهنگ یک سرمایه اقتصادی است، یک کالا با ارزش بازار و یک ارزش آفرین قابل عرضه در فضای شهری» (Garsia, 2004: 314).

درون پس زمینه ساختار رقابت و نوآورانه نظم جهانی، رهیافت‌های فرهنگ مینا برای ایجاد فضاهایی که در آن‌ها فرهنگ تولید می‌شود، به بازار عرضه می‌گردد، مصرف می‌شود و تداوم می‌یابد. بر این اساس رسالت بازآفرینی فرهنگ-مینا، این است که: تعهدی صریح برای بازآفرینی زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بافت‌های شهری با تأکید بر امتیازاتی که برای کیفیت زندگی، انسجام اجتماعی و توسعه به همراه خواهد داشت، ارائه دهد (Gunay&Dokmeci, 2012: 214).

تعریفی کلی از بازآفرینی فرهنگ-مبنا می تواند تعریف لیم باشد او بازآفرینی فرهنگ-مبنا را حاصل پیوند اقتصاد و فرهنگ در بازآفرینی شهری در سیاست های موجود شهری می داند (Lim, 1993: 590).

الگوهای اثر گذار فرهنگ بر بازآفرینی شهری

با وارد شدن عامل فرهنگ و صنایع خلاق در بازآفرینی شهری، به تحلیل الگوهای کاربست فرهنگ در برنامه ریزی و بازآفرینی می پردازیم. در نگاهی کلی، سه نوع الگو برای شرکت دادن عامل فرهنگ در بازآفرینی شهری وجود داشته است؛ این سه الگو به ترتیب عبارت اند از:

- فرهنگ و بازآفرینی
- بازآفرینی فرهنگی
- بازآفرینی فرهنگ-مبنا (طاهرخانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸).

گردشگری راهبردی جدید در توسعه بافت های تاریخی

فرآیند توسعه شهری به ویژه در بافت های تاریخی با دو رویکرد عمده روبه رو است، از یک سو گرایش به حفاظت و نگهداری از بافت تاریخی و عناصر ارزشمند و از سوی دیگر، موج تفکر نوسازی توأم با مداخلات مستقیم و کلان مقیاس در این محدوده ها (ایزدی و صحنی زاده، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۸). بدون تردید بافت های تاریخی منابع سرشار میراث و محلی مناسب برای گردشگری اند، با مطالعه بیانیه های جهانی ایکوموس که مربوط به حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی است، می توان بستریهای پیاده سازی رویکرد بازآفرینی فرهنگ-مبنا را در بافت های فرسوده با توجه ویژه به گردشگری در این بافت ها یافت.

در بیانیه کیوتو (۱۹۶۷) بر حفاظت از میراث فرهنگی به عنوان سند افتخار ملی و گفت و گوی تمدن ها و عدم تفکیک معنا و مفهوم بنا و اثر تاکید شده، این بیانیه برای گردش سرمایه، منابع اقتصادی و صنعت گردشگری را مورد توجه قرار می دهد. بیانیه سنت آنتونیو (۱۹۹۶) بر مطالب اجلاس کیتو تاکید و ضرورت پایدار فرهنگی و توجه به گردشگری فرهنگی را به دنبال کاهش اثرهای منفی اقتصاد گردشگری مطرح می کند، در این بیانیه اصالت و اقتصاد گردشگری، بعد دیگری از نگرش به مجموعه های تاریخی است.

نکته ی مهم این است که با گذشت زمان به دنبال تقویت مفاد معاهده ها جامع نگرایی افزایش می یابد و ظهر ایده تلفیق فرهنگ و اقتصاد در بستر توسعه پایدار که بیشتر از طریق گردشگری اجتماع محور (فرهنگی) عنوان می شود را می توان خیلی واضح در مفاد این بیانیه ها مشاهده کرد به طوری که بیانیه مکزیکوسیتی (۱۹۹۹) معروف به بیانیه بین المللی گردشگری بر مفهوم کلی و جهانی میراث و تعامل آن با گردشگری تاکید دارد و از آن به عنوان وسیله ای برای تبادل فرهنگی یاد می کند. با توجه به این بیانیه فعالیت های گردشگری و حفاظتی در بافت ها و مجموعه های تاریخی باید با احترام به علائق، سنت ها و درخواست های مردم محلی و منطقه ای در جهت ارتقای سطح زندگی آنان همراه شود. این بیانیه بر لازم و ملزوم بودن مرمت و حفاظت بافت های کهن و تاریخی و صنعت گردشگری تاکید و مهم ترین وسیله تبادل فرهنگی را گردشگری بومی و بین المللی دانسته، هم چنین حفاظت و توسعه پایدار را عامل ارتباط مکان های میراثی و گردشگری پویا می داند (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۵۵).

جدول ۱. تدوین راهبردها و سیاست‌های جامع تعامل بازآفرینی بافت‌های تاریخی (فرهنگ-مبنا) و گردشگری فرهنگی شهری

تدوین راهبردها و سیاست‌های جامع تعامل بازآفرینی بافت‌های تاریخی (فرهنگ-مبنا) و گردشگری فرهنگی شهری	
مدیریت و برنامه ریزی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ مشارکت مردمی از طریق مدیریت و هماهنگی در راه اندازی صندوق‌های خرد و سرمایه گذاری مشاع ✓ مدیریت در راستای جذب اورگان‌های سرمایه گذار و تامین منابع غیر مالی ✓ ایجاد ابزارهای حقوقی و قانونی برای تسهیل فرآیند بازآفرینی ✓ انعقاد قرارداد و تفاهم نامه با دستگاه‌های ذیربط برای تسهیل در رفع مشکلات ✓ مدیریت حمل و نقل برای دسترسی گردشگران به جاذبه‌های تاریخی و احیاء مسیرهای پیاده گردشگری ✓ طرح ریزی در جهت برقراری ارتباط بین گره‌ها و شبکه‌های گردشگری در جهت تقویت ساختار اصلی بافت تاریخی بین ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ✓ افزایش ارزش‌های حفاظت میراث فرهنگی از طریق تعریف عرصه‌های گردشگری ✓ برنامه ریزی جهت برقراری ارتباط بین محدوده‌های تاریخی و شهر از طریق برنامه‌های فرهنگی
اجتماعی و فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ زمینه‌گرایی و توجه به ساختاری موجود در طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی ✓ توجه به طراحی منظرشهری منطبق با سازمان فضایی موجود ✓ توجه به حس تعلق خاطر ساکنان و مالکان در برنامه‌های فرهنگ‌مبنای گردشگری در بافت تاریخی ✓ توجه به شهر تاریخی به عنوان قلب تاریخی گردشگری فرهنگی و مکانی برای بازآفرینی میراثی فرهنگی ✓ توجه به نقش مردم و گردهمایی‌هایشان در راستای شناسایی اقدامات بازآفرینی به عنوان محلی بودن طرح برای اجتماعات مردم ✓ حفظ شخصیت تاریخی-فرهنگی کهن شهر ✓ تداوم زندگی اجتماعی افزایش کیفیت زندگی ساکنان
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ توزیع منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار ✓ توانمندسازی ساکنان و مالکان از طریق آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و پیشنهاد فرصت‌های شغلی در خصوص حضور گردشگران ✓ توجه به ایجاد شغل‌های جدید در درازمدت به صورت پایدار در خصوص ساخت بناهای جدید ✓ ترغیب بخش خصوصی در جهت سرمایه‌گذاری در بازآفرینی بافت‌های تاریخی در جهت جذب گردشگران
عملکردی-کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ تجهیز و بهبود شبکه تاسیسات شهری و شبکه معابر شهری در مقیاس منطقه‌ای ✓ معاصر سازی در جهت استخوان بندی اصلی و کهن شهر ✓ الگوسازی با هدف ارائه پیشنهاد کاربردی و منطبق بر مبانی معماری بومی ✓ ساماندهی ترافیک قسمت تاریخی با ایجاد پارکینگ‌های مناسب در مکان‌های تعریف شده ✓ افزایش جاذبه بناهای بارزش تاریخی از طریق تخصیص کاربری‌های فرهنگی و جاذب ✓ استفاده حداکثری از زمین‌های متروکه و بایر ✓ تغییر بناهای متروکه و مخروبه به مجموعه‌هایی متناسب با نیاز ساکنان و گردشگران در جهت جذب گردشگر ✓ ارتقا جاذبه‌های گردشگری فرهنگی از طریق برقراری ارتباط بین عناصر تاریخی مهم ✓ اتصال بین فضاهای گسسته برای ایجاد وحدت فضایی در بافت تاریخی ✓ توجه به سیما و شکل‌گیری شهر با توجه به اصول لینچ (راه، لبه، گره، نشانه، حوزه)

مبنا	<ul style="list-style-type: none"> ✓ توجه به طرح های موجود در برنامه های عملیاتی و زمینه گرایی ✓ توجه اصول و معیارهای طراحی سیما و منظر شهری منطبق با سازمان فضایی موجود ✓ توجه به حس تعلق خاطر ساکنان و مالکان در برنامه های بازآفرینی فرهنگی محدوده بافت تاریخی ✓ توجه به شهر تاریخی به عنوان قلب تاریخی و گردشگری فرهنگی و مکانی برای بازآفرینی فرهنگ-مبنا ✓ شناسایی بستر شهری (بافت تاریخی) در بازآفرینی فرهنگ-مبنا به عنوان مکانی برای تدوین کالبدی عناصر جاذب گردشگری (میراث فرهنگی) ✓ ارتقا جذابیت ها از طریق تاکید بر لایه های تاریخی برای نشان دادن گذر زمان از دید ناظر و ایجاد تصویر ذهنی برای گردشگر بافت تاریخی ✓ توجه و تاکید بر شناخت و حفاظت لایه های تاریخی موجود و ایجاد بستری مناسب برای این عناصر ✓ تاکید بر امنیت مراکز و عرصه های جاذب گردشگر و مالکان و ساکنان بومی ✓ توجه به گذشته ی شهر و دوره های تاریخی آن در جهت تقویت ساختار اصلی شهر و طراحی فضاهای گردشگری ✓ توجه به حرمت مکان ها و مراسمات و سنن و هدایت گردشگران در جهت احترام به آن ها از طریق آگاه سازی مردم
------	---

ماخذ: نگارندگان.

پیشینه پژوهش

به طور خلاصه می توان اینگونه سابقه ی علمی مطالعه را جمع بندی کرد که، حدوداً از نیمه ی دوم قرن ۲۰ همزمان با مورد توجه قرار گرفتن بافت تاریخی به عنوان میراث فرهنگی شهرها و بیان حفاظت این ارزش ها، گردشگری شهری در قالب های گردشگری فرهنگی و میراثی نمود پیدا کرده و مورد بررسی پژوهشگران در رشته های مختلف نظیر شهرسازی و طراحی شهری قرار گرفته است، پژوهشگرانی نظیر اورباش (۲۰۰۰)، باود بووی (۱۹۹۸)، اشورث و تانبیج (۱۹۹۵) این موضوع را از جنبه های مدیریت و برنامه ریزی گردشگری بررسی کرده اند. در ایران نیز تقوایی (۱۳۷۸)، تولایی (۱۳۸۵)، ماهوش محمدی (۱۳۸۰) و ثقه الاسلامی (۱۳۷۸)، دادرسی (۱۳۸۹) و امیرزاده (۱۳۸۹) «پایان نامه های کارشناسی ارشد گروه معماری و شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا» در ارتباط با برنامه ریزی کالبدی-فضایی گردشگری و طراحی فضاهای شهری میدان و خیابان به منظور ساماندهی و احیا کالبدی-فضایی یک محور تاریخی و فرهنگی پژوهش کرده اند.

فلامکی (۱۳۷۴)، حناچی (۱۳۸۰)، حبیبی (۱۳۸۱)، توسلی و همکاران (۱۳۶۸)، ایزدی و صحنی زاده (۱۳۸۳) در ارتباط با مرمت و باززنده سازی بافت های تاریخی و احیای شهرهای تاریخی در بافت قدیم شهر بررسی و پژوهش کرده اند. در پژوهش های صورت گرفته، گردشگری شهری بیشتر از جنبه های برنامه ریزی و مدیریت انجام گرفته است و مطالعات مربوط به مرمت و بازسازی بافت های تاریخی شهر بیشتر از جنبه های کالبدی شهرها و یا طراحی شهری در بافت قدیم مطرح شده است. با وجود اینکه گردشگری را در عرصه ی بین المللی از نظر دیدگاه های مختلف علم مدیریت و جغرافیا توضیح داده اند اما هنوز گردشگری به عنوان یک حوزه مطالعه در زیرشاخه علوم اجتماعی از دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطرح گردیده است، حتی در طرح های جامع گردشگری نیز توجه به این عناصر بوده و در ارتباط با طراحی و باززنده سازی فضاهای باز پیرامونی آثار تاریخی و رابطه ی آن با توسعه گردشگری شهری در ایران پژوهشات منسجم چندانی صورت نگرفته است.

در اکثر موارد اشاره شده به بازآفرینی شهری در بافت های فرسوده از مولفه های متفاوتی برای بازآفرینی استفاده شده است که شامل بازآفرینی یکپارچه شهری، بازآفرینی اقتصادی، بازآفرینی اجتماعی و ... که برخی موفق و برخی ناموفق بوده اند. اما در پژوهش حاضر سعی شده است که از رویکرد بازآفرینی فرهنگ-مبنا استفاده شود با تاکید بر جذب گردشگری، که گذرگردی خود عامل رونق اقتصادی، رشد اجتماعی و باززنده سازی محیط می شود. و هم چنین سعی بر آن است که از مهاجرت ساکنین بومی این محله جلوگیری شود و افراد حس تعلق خود را به محله دوباره پیدا کنند و محله رونق گذشته را به خود بگیرد. و از سویی گردشگری که برای بازدید از مکان های تاریخی منطقه می آید؛ فقط به بازدید از این مکان ها بسنده نکند و به نوعی ترغیب شود که از محله ی اطراف آن نیز بازدید کند. و از این طریق با احداث کاربری هایی چون گردشگری-پذیرایی هم رونق اقتصادی به محله داده شود و هم تسهیلاتی برای گردشگران باشد.

استفاده از این رویکرد بازآفرینی فرهنگ-مبنا در این بافت تاریخی با تاکید بر گردشگری فرهنگی مقوله ای جدید است که در پژوهش حاضر سعی شده به آن پرداخته شود.

روش پژوهش

روش پژوهش در پایان نامه حاضر "روش ترکیبی" متکی بر روش های تاریخی، توصیفی، تحلیلی و موردی-میدانی است. و لذا از هر دو روش اسنادی و میدانی استفاده خواهد شد.

فرآیند به کار رفته در طرح پایان نامه: فرآیند طراحی شهری شامل شناخت، تحلیل و تصمیم گیری است که در هر بخش از روش ها و فنون مناسب همچون مطالعات کتابخانه ای در بخش شناخت و تکنیک SWOT و ارزیابی در بخش تحلیل و در بخش تصمیم گیری نهایی از روش چشم اندازسازی و طراحی راهبردی استفاده شده است.

به علت تمرکز بیشتر این بررسی بر ماهیت فرهنگی ویژه ای که نمونه مورد مطالعه دارد، رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا انتخاب شده و راهکارهای بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا، سیر تحول و آراء اندیشمندان آن ذکر و سپس چارچوب نظری پیشنهادی پژوهش ارائه گردیده است و سپس وارد فاز برداشت های میدانی شده و در نهایت به مرحله طراحی خواهیم رسید. اطلاعات مربوط به نمونه موردی به روش میدانی و مطالعه اسناد بالادست (طرح جامع و تفصیلی) به دست آمده است. بنابر شناخت اجمالی و چارچوب نظری ذکر شده برای رویکرد، به تحلیل داده ها در قالب روش (SWOT) پرداخته و گزینه طراحی در راستای رویکرد پژوهش ارائه می شود. در ادامه با تکنیک روش (SWOT) گزینه بهینه انتخاب می شود.

به طور خلاصه روش این پژوهش، کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از مطالعات اسنادی و میدانی بهره می برد. مراحل انجام پژوهش، مرور کوتاه تحول بازآفرینی فرهنگ مبنا و سیر تجارب جهانی آن با تمرکز بر آراء اندیشمندان در این زمینه است. سپس ملاحظات بومی سازی مطرح می شود نهایتاً طرح طراحی بازآفرینی فرهنگ مبنا با تاکید بر جذب گردشگر در محور خاقانی ارائه می گردد.

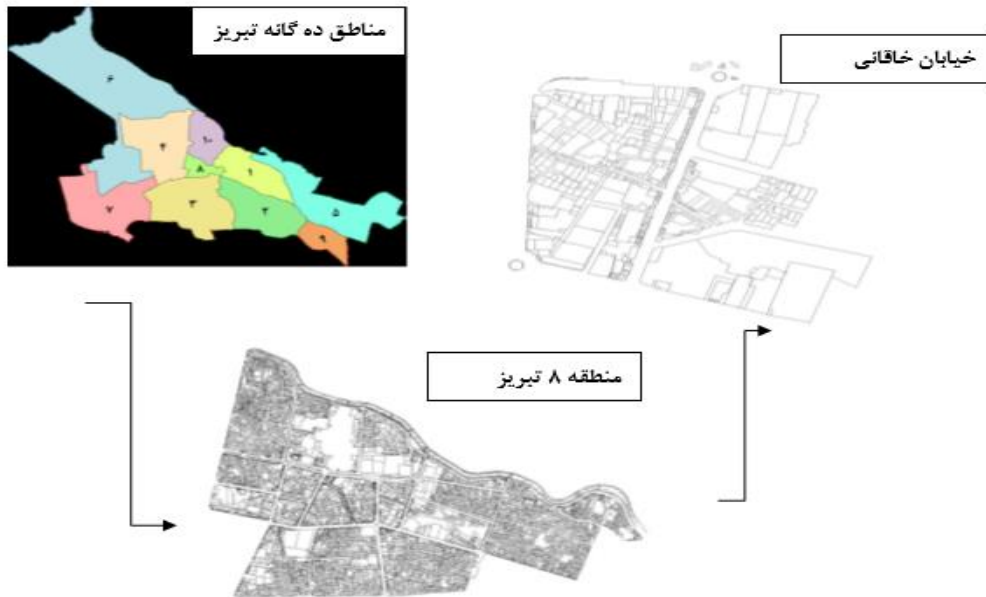
در این قسمت از بررسی نظریات بهسازی و بازآفرینی بافت های کهن و قدیمی شهرها، گاه به طور صریح و گاه به طور ضمنی در تفکرات برخی اندیشمندان ارائه شده است. نوع نگاه بیشتر اندیشمندان بیشتر بر ابعاد کالبدی و اقتصادی اشاره شده است. ولی اقدامات بعد از این به رویکرد بازآفرینی در تجربیات جهانی تدریجی، قابل انعطاف تر و جامع نگرتر تغییر نموده است. در این مسیر تاکید بیشتر بر ابعاد اجتماعی-فرهنگی، موضوعات اقتصادی، تدوین چشم انداز راهبردی یکپارچه و بلند مدت صورت پذیرفته و در پی مطرح شدن پارادایم پایداری و مقوله توسعه پایدار ابتدا دغدغه های زیست محیطی قوت یافتند؛ سپس در جریان سیر تکاملی بازآفرینی، رویکرد پایداری اجتماعی و نقش پررنگ مردم و اجتماع های محلی تقویت شده است. هم چنین مشارکت بخش خصوصی در کنار سرمایه گذاری های بخش دولتی از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است.

باتوجه به تبیین و مقایسه نمونه های جهانی و ایرانی، عواملی که می توانند بازآفرینی فرهنگی را در راستای ارتقای صنعت گردشگری تسهیل کرده یا آن را به وجود آورند، متعدد و متنوع می باشند. می توانند شامل احیای بناهای تاریخی و قدیمی موجود در محدوده، مراسم و آیین های فرهنگی، بهسازی فضاهای طبیعی و اقلیمی یک شهر و هم چنین ایجاد بناهای جدید با کاربری های ویژه و مدرن نظیر موزه، ورزشگاه، گالری و ... که باعث بروز تفاوت یک شهر از شهری دیگر می گردد، باشند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه، محدوده ای در بافت کهن و تاریخی تبریز می باشد، که به عنوان فضای شهری مطلوب و گردشگر پذیر نمایانگر سیر تاریخی و ارزش های کالبدی، فرهنگی نهفته در خود است. محور خاقانی جز مهم ترین محورهای تاریخی

در بافت تاریخی شهر تبریز است که در هماهنگی با دیگر اجزاء شبکه نقش ارائه خدمات تجاری، فرهنگی، گردشگری را می‌تواند بر عهده داشته باشد که پیوستگی حرکت پیاده را از طریق مداخلت طراحی شهری تامین کند. این خیابان با استفاده از پتانسیل‌های موجود مانند گره‌های فعال، عناصر تاریخی - مذهبی و فعالیت‌های گردشگری، نقش مهمی را در رونق اقتصادی بافت تاریخی می‌تواند ایفا کند و محل مناسبی برای زندگی، کار، گذران اوقات فراغت و حضور تمامی اقشار جامعه باشد.

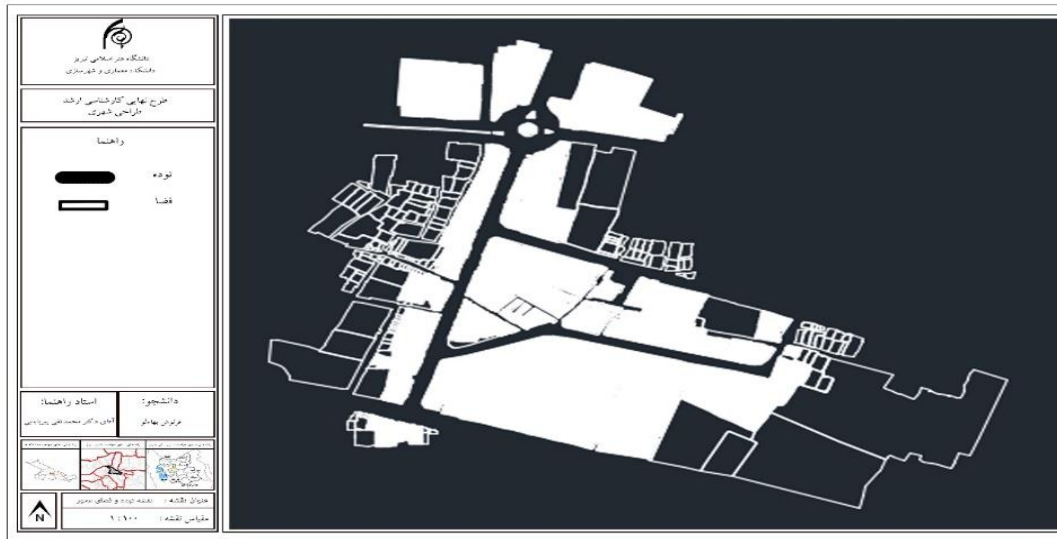


شکل ۱- مکان یابی محور خاقانی ماخذ: نگارندگان.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

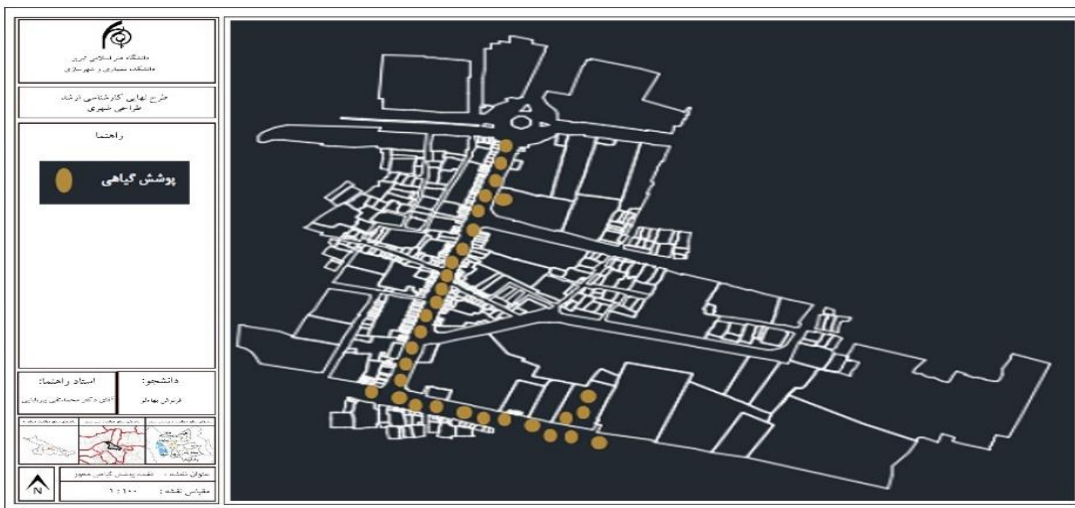
بررسی و تحلیل نظام توده و فضا در محور خاقانی

مجموعه‌ای از بناها و ساختمان‌ها و احجام ساخته شده را گویند. توده بر فضا در این محدوده غلبه دارد. توده در ضلع شرقی بر فضا غلبه دارد. رعایت حریم ارتفاعی بنای تاریخی رعایت شده. نقشه فضا: فضاهای ساخته نشده مابین ساختمان‌ها که در طراحی شهری به آن فضا گفته می‌شود. محدوده کوچ‌چو و خیابان‌ها منظم نیست و بافت ارگانیک دارد. برای امداد و نجات مشکلی نیست عرض خیابان متناسب با حجم ترافیک نیست. کمبود فضا برای کودکان، سالمندان و خانواده. و هم چنین برای افراد معلول و نابینا فضا سازی انجام نشده است.



شکل ۲- نقشه توده و فضا محور خاقانی ماخذ: نگارندگان.

پوشش گیاهی: فضای سبز شهری در برگیرنده بخشی از سیمای شهر است که از انواع پوشش گیاهی تشکیل شده است و به عنوان یک عامل زنده و حیاتی در کنار کالبد شهر تعیین کننده ساخت مرفولوژیک شهر است. درختان موجود در خیابان شامل درختان حاشیه خیابان و وسط میدان می باشد، که شامل درختان چنار، افرا، چناری، نارون، توت، اقاچیا، کاج، عرعر، شمشاد می باشد.



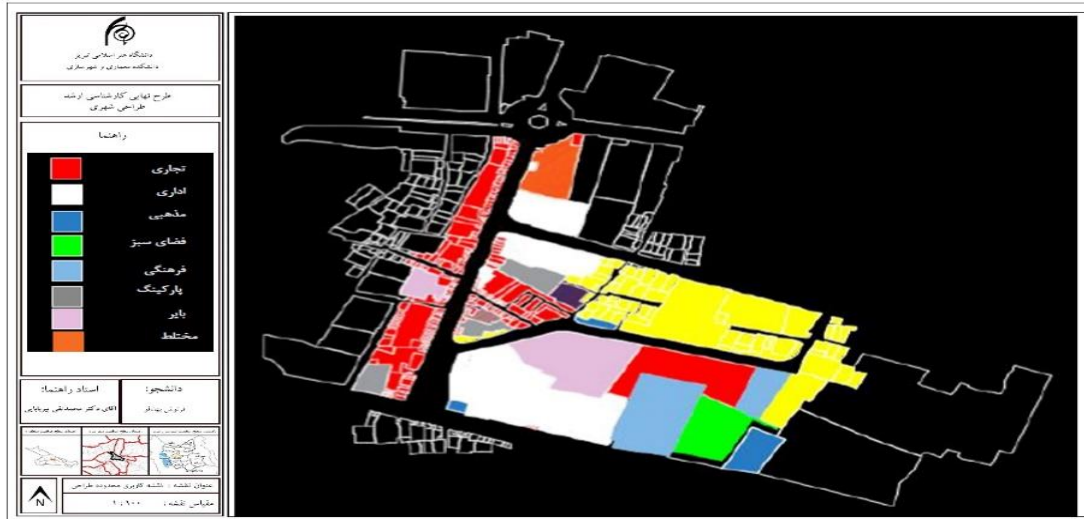
شکل ۳- نقشه پوشش گیاهی محور خاقانی ماخذ: نگارندگان.

ساختار فضایی - کالبدی: این خیابان شریانی درجه ۲ می باشد و شامل ساختمان های عمدتا تجاری اداری و مسکونی می باشد. ساختار کالبدی ساختمان ها ارگانیک می باشد.



شکل ۴- نقشه سازمان فضایی-کالبدی محور خاقانی ماخذ: نگارندگان

کاربری اراضی: عمده کاربری های خیابان خاقانی تجاری می باشد، سرانه تجاری وضع موجود ۲۵,۳۶٪ می باشد و سرانه پیشنهادی ۲۰٪ می باشد.



شکل ۵- نقشه کاربری اراضی محور خاقانی ماخذ: نگارندگان

جدول ۲. سوات بعد کالبدی

عوامل داخلی	عوامل خارجی
<p>قوت ها: (S)</p> <p>۱- وجود مکانهای تاریخی</p> <p>۲- تعلق خاطر به مکان به علت قدمت</p> <p>۳- وجود موزه ها</p> <p>۴- وجود پارکینگ های مختلف</p> <p>۵- نزدیک بودن به بازار</p> <p>۶- خوانا بودن خیابان</p> <p>۷- وجود ایستگاه اتوبوس</p> <p>۸- نزدیک بودن به ایستگاههای (مترو ساعت و شهید بهشتی)</p>	<p>ضعف ها: (W)</p> <p>۱- نبود کاربری متنوع</p> <p>۲- فرسودگی واحدهای تجاری</p> <p>۳- سازماندهی نشدن زمین های خالی</p> <p>۴- به علت وجود بنای تاریخی امکان تعریف یکسان تمام بخش های خیابان وجود ندارد</p> <p>۵- ترافیک بالا در ساعاتی از روز</p> <p>۶- ناهماهنگی نماهای معاصر با نماهای قدیمی</p> <p>۷- عرض کم معابر</p>
<p>فرصت ها: (O)</p> <p>۱- کم بودن تعداد مکانهای تاریخی مشابه (وجود برج یانقین و کاروانسرا و کهنه بازار و رھلی بازار و نزدیکی به بازار سرپوشیده تبریز)</p> <p>۲- تقاضای بالا برای برخی از کالاها و محصولات موجود در تبریز</p> <p>۳- بازارهای مناسب برای محصولات خاص (مانند فرش تبریز)</p> <p>۴- خواهرخواندگی تبریز با شهرهای مختلف (مانند استانبول، قازان، ازبیر، بورس، گنجه، کرلا، باکو، غزه، خنجد، ارزروم، قارص، طرابوزان و قونیه)</p> <p>۵- سیاستهای بازسازی ساختمانهای قدیمی و مرمت بناهای تاریخی</p>	<p>SO: S1S2S3O1O2O3O4: بازریایی خارجی</p> <p>S2S4S7S8O3: تولید محصولات جدید مورد مصرف</p> <p>S1S3S5S6S7S8O4: جذب گردشگر</p>
<p>تهدیدها: (T)</p> <p>۱- رقبای زیاد و متنوع در تولید کالاها (مانند فرش و کفش چرم تبریز)</p> <p>۲- کاهش تبلیغات رسانهای و تاثیر منفی آن</p> <p>۳- تغییرات اقتصادی و سیاسی (مانند تورم و کساد کسب و کار)</p> <p>۴- ناکارآمدی سیاستهای اقتصادی</p>	<p>ST: S2T1: شناخت رقبا و حرکت به سمت تولید محصولات جدید</p> <p>S1S2T1T2: حرکت به سمت تبلیغات در رسانه های مختلف داخلی و خارجی</p> <p>S1T3T4: اعمال سیاستهای حمایتی و ایجاد تنوع در خدمات</p>
<p>WT: W2T1: کاهش قیمت محصولات برای رقابتی تر شدن محصولات</p> <p>W1W2T2T3T4: کاهش در هزینه خدمات شهری، حمایت و تبلیغات مشاغل با کمک رسانه های در اختیار ارگانها</p> <p>W1W3T2T3T4: حمایت و تبلیغ از گانهایی شهری از احداث پاساژهای جدید برای کاربریهای متنوع</p>	<p>WO: W2W3W6O1O4O5: مرمت و بازسازی با روشهای علمی برای جذب سرمایه و گردشگر</p> <p>W1W3W6O2O3O4O5: مشارکت دادن بخش خصوصی در سرمایه گذاری در افزایش کیفیت خدمات شهری و ساماندهی مشاغل متنوع</p> <p>W2W3W5W7O1O4O5: تشویق بخش خصوصی برای نوسازی و بالا بردن سرزندگی</p>

ماخذ: نگارندگان

جدول ۳. سوات بعد فضایی

عوامل داخلی	عوامل خارجی
<p>قوت ها: (S)</p> <p>۱- دید گسترده (ساختمانها کم ارتفاع هستند)</p> <p>۲- وجود کاربری آشنشانی</p> <p>۳- وجود مغازه های مرتبط با آتش نشانی</p> <p>۴- وجود خط آسمان منظم</p> <p>۵- وجود پارک خاقانی</p> <p>۶- وجود کارشناسان توانمند مختلف</p>	<p>ضعف ها: (W)</p> <p>۱- کمبود فضای باز آزاد</p> <p>۲- عدم توجه به جذب اقصاار مختلف</p> <p>۳- وجود تابلو ها والحاقت نامناسب</p> <p>۴- یک طرفه بودن خیابان</p> <p>۵- بارگیری و باراندازی باعث ایجاد راهبندان</p> <p>۶- عدم وجود کاربری انتظامی</p> <p>۷- نادرست بودن شیب جویهای سرپوشیده آب (باعث ایجاد بوی ناخوشایند)</p>
<p>فرصت ها: (O)</p> <p>۱- دسترسیمهای خوب</p> <p>۲- جاذب گردشگر بودن شهر تبریز</p> <p>۳- قرار داشتن تبریز در مسیر ترانزیت کالا به اروپا</p> <p>۴- تربیت کارشناسان مجرب مختلف در عرصه های مختلف علمی و حمایت از شرکتهای دانش بنیان</p> <p>۵- وجود طرحهای مسیر گشایی و توسعه برای شهر</p>	<p>SO: S1S4S5O1O2O3: ایجاد کاربریهای تفریحی و تجاری متنوع</p> <p>S2S3O5: تامین هزینه ها برای اجرای سریعتر طرحهای توسعه و مسیر گشایی</p>
<p>تهدیدها: (T)</p> <p>۱- به علت وجود کاربری خاص به جز در ساعات مشخص روز به ویژه در فصل خاص، بقیه زمانها بویژه شبها تبدیل به مکان خلوت و ناامن میشود</p> <p>۲- نرخ پایین تسهیلات سود بانکی</p> <p>۳- عدم تمایل سرمایه گذاران خارجی در ایجاد روابط با ایران</p> <p>۴- اجرا نشدن برخی قوانین حمایتی اقتصادی</p>	<p>ST: S1S4S5T1T3: بکارگیری راهکارهای اقتصادی برای جذب گردشگر و سرمایه گذار خارجی</p> <p>S2S3T1T4: اجرای طرح های حمایتی برای بالا بردن کیفیت ساختمانها و بالا بردن ایمنی و تاب آوری آنها</p>
<p>WT: W1W2T1: تخصیص بودجه برای ایجاد کاربریهای مناسب برای حمایت از اقصاار مختلف</p> <p>W3W6W7T2T3T4: تخصیص بودجه برای خرید مکانهای خالی یا تخریبی و ایجاد کاربری متناسب با سرمایه گذاری خارجی</p>	<p>WO: W1W3W5W7O1O2O3: تامین بوجه و اجرای قوانین شهرسازی به روش درست</p> <p>W2W4W7O1O2O3: بهره گیری از نیروی علمی متخصص برای بالا بردن سطح کیفیت زندگی و ارائه خدمات شهری و مسیر گشایی مناسب</p> <p>W6O1O3O4O5: ایجاد دکه های انتظامی</p>

ماخذ: نگارندگان

بیانیه چشم انداز

معبر خاقانی شهر تبریز جزو مراکز اصلی کلانشهر شهر تبریز می‌باشد. تعدد بناها و بافت‌های ارزشمند تاریخی چهره فرهنگی تاریخی به این گذر و محدوده بخشیده است. که با ورود فعالیت‌های مکمل گردشگری _ فرهنگی و تجاری باعث افزایش تعاملات مراجعه کنندگان با محیط این محله تاریخی خواهد شد. بناهایی قدیمی همچون برج یانقین از دوران گذشته شهر را به یادگار دارد که دارای ساختاری منسجم و هم پیوند با مناطق مجاور می‌باشد. گذرخاقانی‌ها تبدیل شده است به گذری که علاوه بر دارا بودن کیفیت‌های هم چون سرزندگی تنوع بالا حضور پذیری و ...، حال هم چون آینه‌ای با معماری و طراحی خود هنر و فرهنگ وسیع و قدیمی شهر را در خود بازتاب می‌دهد. این معبر به پلی که باعث پیوند میان نسل امروزی با فرهنگ و کهن با فرهنگ و هنر کهن تبریز شده است، تبدیل گردیده است. این معبر با مجاورت با مجموعه تاریخی بازار تبریز و با طراحی نوین در معبر خود که فضاهای خطی و پهنه متعددی را عرضه می‌کند، به یک هارمونی منسجم رسیده است که در بازتعریف و شناخت این محدوده نقش بسزایی را اعمال می‌کند.

چشم انداز خیابان خاقانی که در جهت سیمای مطلوب با نگرش مؤلفه‌های هنری فرهنگی ترسیم می‌شود، گذری که بر پایه ریشه‌های گذشته و تاریخ خود اما با فرهنگ و دنیای مدرن همراه با مؤلفه‌های هنری فرهنگی باعث پیوند عمیق تر و ملموس تر بین ساکنین امروز و عقبه تاریخی خود با استفاده از فضاهای جدید طراحی شده می‌شود. گذری پاک با سیمای جذاب و دربرگیرنده سبک‌های معماری قدیم در کنار نسل امروز همراه با زیبایی هویتی تاریخی و آینده روشن فرهنگی را برای این گذر به نمایش می‌گذارد.

تدوین اهداف، راهبرد و سیاست

در این بخش برای رفع نیازها، کاستی‌ها و ضعف‌های موجود در محدوده مطالعاتی که در بخش چهارم تحلیل و شناسایی شده اند اهداف، راهبرد و سیاست‌هایی در بعد‌های مختلف به صورت جدول ارائه داده شده است.

جدول ۴ اهداف، راهبرد و سیاست‌های بعد کاربری و فعالیت

نظام کاربری و فعالیت		
سیاست	راهبرد	هدف
<p>۱- جابه‌جایی و یا حذف کاربری‌های ناسازگار در معبر از جمله انبار داری‌ها و تولیدی‌ها در لایه‌های پشتی جداره چپ و ابزار آلات‌های جداره غربی خیابان</p> <p>۲- تزریق کاربری‌های سازگار هم چون فرهنگی، خدماتی و مسکونی در بنا‌های رها شده در بخش غربی</p> <p>۳- تزریق کاربری‌های شبانه در سرتاسر خیابان (خیابان خاقانی فاقد هر گونه کاربری شبانه می‌باشد)</p>	<p>۱- ساماندهی کاربری‌ها</p>	
<p>۱- ایجاد فضا‌های شهری جدید برای تعامل افراد در محور اصلی و فضا‌های خرد مقیاس در پهنه‌های مسکونی در بلوک‌های شرقی و غربی</p> <p>۲- ایجاد قرارگاه‌های رفتاری جدید در تمام بخش‌های معبر در راستای جذب و تداوم حضور جمعیت که سرریز جمعیت خیلی کمی دارد.</p>	<p>۲- ایجاد فضا‌های شهری</p>	<p>ارتقاء کیفیت کاربری‌ها</p>
<p>۱- تزریق کاربری‌های شبانه برای بالا بردن ساعات فعالیت معبر اصلی</p>	<p>۳- تغییر در ترکیب فعالیت‌ها و کاربری‌ها به نفع فعالیت‌ها و کاربری‌های فرهنگی و گردشگری</p>	

<p>۲- احداث مکان های سوم در معبر اصلی با توجه به بناهای واجد ارزش معبر، و همچنین در محله ها با مقیاس خرد تر در راستای حفظ حریم شخصی ساکنین</p> <p>۳- احداث فرهنگسرا و کتابخانه هایی متناسب با مقیاس فرا محله ای در معبر اصلی خاقانی</p> <p>۴- ایجاد فضایی برای انجام فعالیت مذهبی و دینی به صورت فردی و گروهی با توجه به نبود هیچ گونه کاربری مذهبی در معبر اصلی</p> <p>۵- استفاده از زمین های بایر برای فضای سبز و یا کاربری های ورزشی در لایه های پشتی و در پهنه های مسکونی</p>		
<p>۱- تزریق کاربری های جذب کننده ی در بخش های ابتدایی و انتهایی معبر برای جذب مردم</p> <p>۲- ایجاد سکانس های متنوع با استفاده از ساباط، گوشودگی و تغییرات در عرض معبر</p>	<p>۴- تنوع کاربری و فعالیت ها</p>	
<p>۱- ایجاد کانون های خدماتی در محله های کوچک محلی در بخش غربی معبر اصلی و در پهنه مسکونی شرقی</p> <p>۲- در نظر گرفتن مراکز خرید روزانه مثل سوپرمارکت ها ، نانوايي ها و ... درون پهنه های مسکونی و لایه های پشتی</p>	<p>۵- توزیع خدمات شهری مناسب</p>	
<p>۱- اتصال معبر خاقانی به پیاده راه های مجاور همچون، تربیت، مقصودیه و بازار بزرگ</p> <p>۲- شناساندن بناهای تاریخی با تغییر کاربری های آن ها به کاربری های جذاب و بروز</p>	<p>۱- شناساندن ارزش های محیط</p>	<p>ارتقاء گردشگری</p>

ماخذ: نگارندگان.

جدول ۵ اهداف، راهبرد و سیاست های بعد حمل و نقل دسترسی

نظام حمل و نقل و دسترسی		
سیاست	راهبرد	هدف
<p>۱- مکان یابی برای انتقال پایانه خاقانی به خیابان های مجاور</p> <p>۲- کاهش اتوبوس های پایانه با توجه به ترافیک سنگین معبر</p>	<p>۱- سازماندهی پایانه خاقانی</p>	<p>بهبود حمل و نقل عمومی</p>
<p>۱- احداث کف سازی پیاده راه ها به جای آسفالت در معابر فرعی و کوچه ها تا سازگاری بیشتری با جداره ها داشته باشد</p> <p>۲- ایجاد مبلمان در پیاده راه ها برای افزایش آسایش عابران</p> <p>۳- تعریض پیاده راه در راستای ایجاد طرح آرامسازی، و باز تعریف فضاهای جدید</p> <p>۴- اختلاف ارتفاع ۱۰ سانتی متری میان پیاده راه و خیابان برای ایمنی عابران</p> <p>۵- نورپردازی مناسب در شب از کف برای ایمنی، نمایان بودن لبه ها و جدا سازی محور های حرکتی از هم</p> <p>۶- اجرای طرح آرام سازی ترافیک</p>	<p>۱- بهبود کیفیت پیاده راه ها و خیابان ها</p>	<p>ارتقاء کیفیت زیر ساخت های معابر</p>

<p>۷-به حداقل رساندن دسترسی های ماشین به درون معبر ها و پهنه های تاریخی از سمت بازار و انتقال ترافیک معبر از خیابان های مجاور</p> <p>۸-استفاده از کفسازی در خیابان به جای آسفالت برای همخوانی بیشتر با زمینه</p>		
<p>۱-تنوع روش های سفر</p> <p>۲-استفاده از اتوبوس های دو طبقه برای افزایش ظرفیت اتوبوس ها و منظره طبقه دوم (با توجه به کاهش تعداد اتوبوس ها در انتقال پایانه اتوبوسرانی خاقانی)</p>	<p>۱-بهبود سیستم حمل و نقل عمومی</p>	<p>ارتقاء سیستم حمل و نقل عمومی</p>
<p>۱-وجود رمپ برای دسترسی معلولان و افراد پیر</p> <p>۲-مناسب سازی اتاقک های ایستگاه با زمینه تاریخی زمینه</p>	<p>۲-ارتقاء کیفیت ایستگاه ها</p>	

ماخذ: نگارندگان.

جدول ۶ اهداف، راهبرد و سیاست های بعد کالبدی

نظام کالبدی		
سیاست	راهبرد	هدف
<p>۱-ایجاد انسجام بصری در خیابان باتوجه به ازامات طراحی نما که در بخش ۳-۱-۱ اشاره شده است.</p> <p>۲-تشویق شهروندان و مغازه داران به استفاده از نمایی در انسجام با زمینه تاریخی و هویتی</p> <p>۳-احداث حداقل یک ورودی در هر یک از معابر فرعی و یا اصلی با استفاده از المان های تاریخی همچون دروازه و یا ساباط</p> <p>۴-خط آسمان یکنواخت در خیابان ها و معابر</p>	<p>۱-بهبود کیفیت جداره ها و نماها</p>	<p>احیای مشخصه های سیمایی شهری و هویتی</p>
<p>۱-افزایش سرانه فضای سبز با احداث پوشش های سبز خطی در معبر و بوستان ها در پهنه های مسکونی</p> <p>۲-بهبود کیفیت بصری مناطق از طریق نوسازی و نما سازی معابر و افزایش دید به کوه عینالی</p> <p>۳-استفاده از المان هایی همچون دروازه و یا طاق برای تعریف فضاهای مسکونی، نیمه خصوصی</p>	<p>۱-ارتقاء کیفیت سکونتگاه های مسکونی</p>	<p>ارتقاء کیفیت عرصه ها و بناها</p>
<p>۱-ایجاد عرصه های عمومی بزرگ مقیاس در معبر اصلی با توجه به مجاورت بازار تبریز</p> <p>۲-ایجاد سکانس های کالبدی مختلف و متنوع سبک معماری در معبر با استفاده از تغییرات در عرض معبر و پوشش گیاهی، دالان و ساباط</p>	<p>۲-ارتقاء کیفیت های فضا ها و عرصه های عمومی</p>	

ماخذ: نگارندگان.

جدول ۷ اهداف، راهبرد و سیاست های بعد اجتماعی-فرهنگی

نظام اجتماعی-فرهنگی		
سیاست	راهبرد	هدف
۱- احداث فرهنگسرا در بناهای تاریخی رها شده ۲- توسعه فعالیت های گردشگری برای رونق کسب و کار ها در معبر اصلی به جای کاربری های صنعتی و تولیدی ۳- تشویق شهروندان به شرکت در فعالیت های دینی به صورت گروهی برای افزایش تعاملات اجتماعی ۴- برگزاری مراسمات در فضا های شهری همچون جشن های نوروز و ... ۵- ایجاد و احداث مراکز مذهبی و دینی و فرهنگی ۶- شناساندن بناهای تاریخی با اسفاده از برگزاری مراسم و رویداد های خاص در آن ۷- استفاده از بناها و خانه های تاریخی در راستای زنده کردن و رونق دادن به این بناها	۱- هویت مداری	جذب جمعیت و حضور پذیری
۱- آموزش از طریق اعلانات و مراسم ها در معبر ۲- برگزاری رویداد هایی همچون شب شعر در مکان های سوم، موسیقی های زنده خیابانی، جنگ شادی، جشنواره ها و ۳- ایجاد پاتوق هایی جدید برای فعالیت های متنوع با توجه به کاربری های جدید ۴- تشویق به حضور زنان و ایجاد مکان ها و فضاهایی مختص برای بانوان برای بالا بردن حضور زنان و افزایش امنیت آنها ۵- ایجاد زمین ها و محوطه هایی برای بازی کودکان	۲- سرمایه گذاری فرهنگی و توسعه اقتصادی	

ماخذ: نگارندگان.

پلان طراحی



شکل ۶ پلان کلی پیشنهادی محدوده مورد مداخله ماخذ: نگارندگان.



شکل ۷ پلان کلی پیشنهادی محدوده مورد مداخله ماخذ: نگارندگان



شکل ۷ پلان کلی پیشنهادی محدوده مورد مداخله ماخذ: نگارندگان



شکل ۸ پرسپکتیو های کلی پیشنهادی محدوده مورد مداخله ماخذ: نگارندگان.

نتیجه گیری

راهکارهای همه جانبه نگر کنونی مرمت شهری، رویکردی جامع به کلیه مسایل شهری دارد. و تمام تلاش خود را معطوف به باززنده سازی کلیه ارزش های نهفته در بافت اعم از اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی می نماید. در بازآفرینی شهری برخلاف جریان های پیشین مرمت شهری، که توجه صرف به جنبه های کالبدی می نمود و مانع از تحقق اهداف معاصر سازی می گشت؛ توسعه و تجدید نسل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کارکردی شهر به عنوان نقشی مهم و تفکیک ناپذیر از جریان مرمت شهری مورد بحث قرار می گیرد.

ارتقاء و توسعه زیرساخت ها، شبکه معابر و تجهیز و گسترش فضاهای عمومی، توسعه و تأمین خدمات شهری- محله ای، باززنده سازی مجموعه ها و در نهایت الگوسازی عنوان موضوعی چهار سیاست راهبردهای کلیدی برنامه های بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا بوده اند.

در جمع بندی مباحث مطرح می توان چنین نتیجه گرفت که اجرای چنین سیاست هایی امکان تحقق برنامه های بازآفرینی شهری را از طریق افزایش انگیزه برای حضور و مشارکت ساکنان و مالکان این مناطق و به خصوص طبقه خلاق جامعه برای جذب سرمایه گذاران و گردشگران را ارتقاء خواهد داد.

بستر فضایی- کالبدی تحقق چنین سیاستی، فضای عمومی یا به عبارتی استخوانبندی عرصه مورد برنامه در مقیاس شهر و یا محله است. سرزندگی کارکردی- اجتماعی و اقتصادی این عرصه در یک نظام مدیریتی کارآمد در یک فرآیند تدریجی قابل تعمیم به کل عرصه و محدوده مورد برنامه خواهد شد.

بر اساس آن چه در مبانی نظری مشتمل از ادبیات موضوعی و تجارب جهانی پایان نامه ی فوق بحث شد، این نکته آشکار گردید که گردشگری شهری به عنوان یکی از محرک های اصلی توسعه و پیشرفت فرهنگی برای بازآفرینی در بافت های تاریخی به شمار می رود. و هم چنین بر اساس شناختی که در محدوده طرح هدف (منطقه تاریخی - فرهنگی شهر تبریز و محدوده بازار و دانشسرا) به انجام رسید و بر اساس نظر مردم، محدوده کهنه بازار و رهلی بازار (خیابان خاقانی) به دلیل قرار گیری در قلب مرکز تاریخی شهر تبریز و همجواری با بزرگترین بازار سرپوشیده جهان به عنوان جاذب ترین عنصر گردشگری منطقه و هم چنین همجواری با مسجد کبود به عنوان بارزترین عنصر هویت بخش در شهر، واجد ارزش، جهت بازآفرینی برای تبدیل شدن به محور گردشگری می باشد.

در آخر در بخش طراحی به سوال اصلی پایان نامه با عنوان « چگونه می توان با استفاده از منابع اولیه محرک گردشگری شهری در بافت های تاریخی (به خصوص مرکز تاریخی شهر تبریز) و با بهره گیری از دیدگاه های نوین طراحی شهری، روشی برای بازآفرینی و حل مسائل موجود در بافت های تاریخی یافت؟» از طریق اعمال راهبردها و سیاست های اجرایی استخراج شده از اصول بازآفرینی و گردشگری به شرح زیر پاسخ داده شد:

✓ ارتقاء و توسعه زیرساخت ها و شبکه معابر از طریق تعریف و تقویت مسیر پیاده گردشگری به صورت کلان مقیاس در منطقه تاریخی- فرهنگی تبریز (طراحی حلقه گردشگری در سناریوی اصلی) و هم چنین در مقیاس خرد با طراحی مسیر گردشگری از بازار کهنه تبریز تا رهلی بازار ارائه شد.

✓ تجهیز و گسترش فضاهای عمومی و بازآفرینی عرصه های فضای شهری در مجموعه ورودی تقاطع خاقانی و ایجاد فضاهای شهری جدید در مسیر گردشگری خاقانی.

✓ توسعه و تأمین خدمات شهری از طریق معاصر سازی و یا ایجاد کاربری های جدید، سازگار و منطبق با صنعت گردشگری.

✓ الگوسازی با استفاده از مفاهیم و الگوهای بارزش موجود در بافت تاریخی- فرهنگی تبریز.

منابع و مآخذ

- لطفی، سهند، ۱۳۹۱، تبار شناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی، آذرخش، چاپ اول، تهران. حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه، ۱۳۸۶، مرمت شهری، دانشگاه تهران، چاپ هفتم، تهران.
- تکبیری، مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۰، سامان بخشی بافت فرسوده شهر ورزنه، جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۲-صفحه ۲۳-۴۰، تاریخ اولین انتشار: ۰۱ مرداد ۱۳۹۱.
- حق پناه، یعقوب، ۱۳۹۲، تحلیل کالبدی-فضایی بافت های فرسوده شهری در راستای بهسازی و نوسازی (مطالعه موردی: شهر داراب). فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره دوم، تاریخ انتشار مجله، بهار ۱۳۹۷.
- دهباشی، میثم، ۱۳۹۰، بررسی وضعیت کالبدی بافت های فرسوده شهری با الویت بهسازی و نوسازی (مطالعه موردی: قلعه وکیل آباد مشهد). پایان نامه کارشناسی ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری-دانشگاه یزد.
- شعله، مهسا، ۱۳۹۰، بازآفرینی متن شهر با رهیافتی زبان شناختی، کنسرسیوم آنا بافت، دومین همایش بین المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم، تاریخ انتشار: تیر ۱۳۹۵.
- امین زاده، بهناز و دادرس، راحله، ۱۳۹۱، بازآفرینی فرهنگ مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تاکید بر گردشگری شهری، دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۲: ۱۰۸-۹۹.
- اولده، مولیز و هواکیم، ریوس، ۱۳۹۲، فرهنگ و اصالت در فرآیندهای بازآفرینی شهری: برندسازی مکان در مرکز شهری بارسلونا، حسین قانونی، نشریه اینترنتی نوسازی، سال چهارم، شماره ۲۳: ۱۹-۱.
- ایزدی، محمدسعید و فیضی، رضا، ۱۳۸۹، بازآفرینی شهری کنش و بینشی جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده های هدف برنامه های بهسازی و نوسازی شهری، هفت شهر، شماره ۳۳-۳۴: ۸۰-۷۴.
- Aitchinson, Cara & other. (2002). *Leisure and Tourism Landscape*. Routledge.
- Ashworth, G.J. & Larkham, P.J. (1994). *Building a New Heritage: Tourism Culture and Identify in the New Eorope*. London: Rutledge.
- Ashworth, G.J. & Tubridge, J.E. (2000). *The Tourist Historic City*. London: Beihaven.
- Attoe, Wane & Donn, Logan.(1994). *American urban architecture: Catalysts in the design of city*. California: Berkley.
- Birabi, A.K. (2007). *International ueban conservation charters: catalytic or passive tools of urban conservation practices among developing countries*.
- Burksrt, A.J. & Medlik, S. . (1981). *TOURISM: PAST, Present and Future*. London.
- Carmona, M & Tiesdell, S. (2007). *Urban design reader*. Taylor & Francis.
- Christian M. Rogerson. (2006)*Creative Industries and Urban Toueism: South African Perspectives*. Urban Forum, Vol. 17, NO. 2,,31.
- Galdini, R.(2005). *Urban regeneration process:The cace of Genoa, An example of integrated urban development approach*. 45th congress of European regional science association, Land use and water management in sustainable network society (pp. 23-27). Amesterdam:Vrije university.
- Goksin, A. and Muderrisoglu, B. (2005). *Urban Regeneration: a Comprehensive Strategy FOR Creating Spaces for Innovative Economies*. 41st ISoCaRP Congress. Istanbul.
- Hall, C.M (1994). *Tourism & Politics: Powre and Place*. Chichester: Wiley.